

رسالة محمد

سرشناسه: عینالی سقاواز، فروزان، ۱۳۷۶-
عنوان و نام پدیدآور: مشکلات رفتاری رایج در زوجین/ مولف فروزان عینالی سقاواز.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۵۸ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۵۳-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۶- ۱۵۸.
موضوع: زناشویی -- اختلاف -- جنبه‌های روانشناسی
Marital conflict -- Psychological aspects
خانواده‌ها -- جنبه‌های روانشناسی
Families -- Psychological aspects
طلاق -- جنبه‌های روان‌شناسی
Divorce -- Psychological aspects
زناشویی -- جنبه‌های روان‌شناسی
Marriage -- Psychological aspects
رده بندی کنگره: HQ۷۴۳
رده بندی دیویی: ۶۴۶/۷۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۴۲۳۹۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مشکلات رفتاری رایج در زوجین
مولف: فروزان عینالی سقاواز
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۵۳-۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



به نام خدا

مشکلات رفتاری رایج در زوجین

مؤلف :

فروزان عینالی سقاواز

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱۰
- فصل اول: جدایی عاطفی ۱۴
- پیش درآمدی بر جدایی عاطفی ۱۵
- جدایی عاطفی کی رخ می دهد؟ ۱۷
- ریشه جدایی عاطفی ۱۸
- مفهوم طلاق ۱۹
- طلاق و انواع آن ۲۰
- جدایی عاطفی ۲۰
- طلاق قانونی ۲۰
- طلاق اقتصادی ۲۱
- طلاق هماهنگی میان والدین ۲۱
- طلاق اجتماعی ۲۱
- طلاق روانی ۲۱
- طلاق در ادیان مختلف ۲۲
- تعاریف جدایی عاطفی ۲۵
- مراحل جدایی عاطفی ۲۷

۲۸	علل و عوامل طلاق.....
۳۲	دلایل شایع جدایی عاطفی در جامعه امروز.....
۳۳	آثار جدایی عاطفی.....
۳۵	آمار مربوط به جدایی عاطفی.....
۳۷	مهم‌ترین دلایل حفظ یک رابطه زناشویی.....
۳۸	بحران ارزش‌ها.....
۴۰	روش‌هایی برای جلوگیری از بروز جدایی عاطفی.....
۴۱	پیشگیری از جدایی عاطفی.....
۴۴	فصل دوم: پرخاشگری در خانواده
۴۵	مقدمه.....
۴۸	صدمه پرخاشگری‌های خانوادگی بر بافت‌های اجتماعی.....
۴۹	صدمه بر توسعه نقش سالم بشریت.....
۴۹	کودکان، قربانیان خشونت‌های خانوادگی.....
۵۰	نظریه یادگیری اجتماعی.....
۵۰	نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی.....
۵۱	نظریه منابع.....
۵۱	نظریه ناسازگاری پایگاهی.....

- ۵۲ نظریه فمینیست‌ها
- ۵۲ نظریه شبکه روابط خانوادگی
- ۵۳ عوامل خطر ساز پر خاشگری خانگی
- ۵۳ عوامل فردی
- ۵۴ عوامل اجتماعی، محیطی
- ۵۶ فصل سوم: کودک آزاری
- ۵۷ کودک آزاری و بی توجهی چیست؟
- ۵۷ باورهای غلط و واقعیت‌هایی درباره کودک آزاری و بی توجهی
- ۵۸ اثرات کودک آزاری و بی توجهی به کودک
- ۵۹ شناخت انواع مختلف کودک آزاری
- ۶۲ علائم هشدار دهنده کودک آزاری و بی توجهی
- ۶۳ عوامل خطر در کودک آزاری و بی توجهی
- ۶۶ نحوه شکستن چرخه سوء استفاده
- ۶۷ چگونه می‌توان به کودک بدسرپرست یا مورد بی توجهی کمک کرد؟
- ۶۸ گزارش کودک آزاری یا بی توجهی به کودک
- ۷۰ فصل چهارم: کودکان معلول در خانواده
- ۷۱ مقدمه

- ۷۲.....تعریف عقب ماندگی
- ۷۳.....طبقه بندی عقب ماندگی ذهنی
- ۷۳.....علل عقب ماندگی ذهنی
- ۷۵.....انواع واکنش های نخستین والدین
- ۷۶.....دلایل احساس گناه
- ۷۶.....انتظارات والدین از کودکان استثنایی
- ۷۷.....مشاوره با والدین کودکان معلول
- ۷۸.....خانواده درمانی
- ۸۲.....انواع مشکلات والدین خانواده های دارای فرزند معلول
- ۸۶.....**فصل پنجم: ناباروری در خانواده**
- ۸۷.....پیش درآمدی بر ناباروری
- ۹۰.....علائم ناباروری
- ۹۲.....روش های ارزیابی زوج های نابارور
- ۹۵.....لقاح آزمایشگاهی چیست؟
- ۹۶.....مراحل لقاح آزمایشگاهی
- ۹۹.....چه عواملی باعث عدم موفقیت در انجام لقاح آزمایشگاهی می شود؟
- ۱۰۰.....پیشگیری

فصل ششم: بیکاری	۱۰۲
بیکاری	۱۰۳
اهمیت کار	۱۰۳
بیکاری پنهان	۱۰۴
اشتغال و بیکاری در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ - ۱۳۹۴	۱۰۵
بررسی تغییرات جمعیت شاغل	۱۰۸
وضع موجود اشتغال و بیکاری: آخرین تصویر	۱۰۹
پیامدهای بیکاری	۱۰۹
پیامدهای بیکاری در ایران	۱۱۰
عوامل تأثیرگذار در کاهش میزان بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی	۱۱۲
راهکارهای راهبردی	۱۱۲
راهکارهای کاربردی	۱۱۳
فصل هفتم: سرقت و دزدی	۱۱۶
پیش درآمدی بر سرقت	۱۱۷
انواع سرقت	۱۱۷
مفاهیم مرتبط با سرقت	۱۱۹
نظریه‌های ارائه شده در زمینه سرقت	۱۱۹

۱۲۴	علل و انگیزه‌های سرقت
۱۳۲	راهکارهای پیشنهادی برای کاهش سرقت در جامعه
۱۳۶	فصل هشتم: زنان سرپرست خانواده
۱۳۷	مقدمه
۱۳۷	تعریف سرپرست خانوار
۱۳۹	دسته‌بندی زنان سرپرست خانوار
۱۳۹	علل سرپرستی زنان در خانواده
۱۴۳	قوانین و مقررات بعد از انقلاب اسلامی
۱۴۶	وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار
۱۴۷	وضعیت اجتماعی - فرهنگی زنان سرپرست خانوار
۱۴۸	وضعیت روانشناختی زنان سرپرست خانوار
۱۴۹	مشکلات زنان سرپرست خانوار
۱۵۲	پیشنهادات و راهکارها
۱۵۵	منابع و مأخذ

پیشگفتار

افسانه‌ها توهم یک زندگی بدون مشکل و سراسر رویایی را هنگام ازدواج، به زوجین می‌دهند. اما واقعیت این است که همه زوج‌های متأهل، مشکلات و چالش‌هایی را تجربه می‌کنند. زمانی که دو نفر متعهد به گذراندن زندگی مشترک و تشکیل خانواده می‌شوند، مشکلات زناشویی باعث تقویت رابطه‌شان نیز می‌شود. برای اینکه همسران برای حل مشکلات ازدواج تلاش کنند، اولین قدم این است که بدانند مشکلات رایج ازدواج چیست.

آکرمن (۱۹۹۰) خانواده را به عنوان واحدی عاطفی - اجتماعی، کانون رشد، تکامل، التیام، شفادهنده و نیز مرکز پاتولوژی معرفی نموده است. در خانواده فرد خود را متعلق به مجموعه‌ای می‌داند که مختص اوست. به گفته مینوچین (۱۹۹۵) افراد هویت خود را از طریق خانواده احراز می‌کنند. ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و جامعه است. نقطه آغاز شکل‌گیری خانواده زمانی است که دو فرد بالغ (یک زن و یک مرد) با هدف تشکیل خانواده به یکدیگر می‌پیوندند. عقد ازدواج نقشی را به وجود می‌آورد که جدا از نقش‌های قبلی است و نقطه بحرانی این انتقال نقش، شروع دوره زناشویی است.

بدون تردید، خانواده‌های لجام گسیخته، متزلزل جامعه متزلزل را پدید می‌آورند. جامعه‌ای که در آن نشانی از خانواده سالم یافت نشود میزان طلاق روز به روز بالا می‌رود و ازدواج‌های مطلوب و برنامه‌ریزی شده کمتر صورت می‌گیرد. به طور کلی، ریشه بسیاری از کجروی‌های اجتماعی را باید در خانواده جستجو کرد. در نشستی که توسط انجمن اولیا و مربیان انجام شده بود، در مبحث کودک و خانواده گزارش‌ها و نتایج تحقیقاتی حاکی از آن بود که اگر شاهد لجام گسیختگی جوامع هستیم، اگر میزان ارتکاب جرائم روزبه روز افزایش می‌یابد، اگر میزان اختلالات رفتاری و شخصیتی هر روزه بیشتر

می‌شود، اگر بیش از ۵۰ درصد تخت‌های بیمارستانی را بیماران اسکیزوفرن اشغال کرده‌اند و اگر از هر چهار ازدواج قریب سه ازدواج به طلاق منجر می‌شود، ریشه تمامی این مسائل را باید در خانواده جستجو کرد.

خانواده ناسالم خانواده‌ای است که قادر به تأمین نیازهای تکاملی، حل مشکلات و تعارض‌های خود نبوده و کارکردهایش مختل می‌باشد. بنابراین، با توجه به چنین مفروضه‌ای، خانواده آسیب‌زا یا مسئله دار در اثر ازدواج‌های ناموفق به وجود می‌آید. ازدواج‌های ناسالم نیز توسط افراد ناسالم و مشکل دار شکل می‌گیرد. از آن رو، که افراد مسئله دار همواره مترصد ازدواج با شبیه خود هستند (همسان همسری) فرآیند چندنسلی از خانواده‌های مسئله دار به وجود می‌آیند و این نظام مختل نسل به نسل انتقال می‌یابد. (بوئن، ۱۹۸۹) در این نوع خانواده‌ها سلسله مراتب قدرت هرج و مرج گونه است، به گونه‌ای که یکی از والدین قدرت تام دارد و یا اینکه والدین افرادی منزوی، کناره گیر بوده و فرزندان کنترل اوضاع را به عهده دارند. در این نظام، مرزها نامشخص و مبهم است. اعضای خانواده استقلال رأی ندارند، تناقض‌ها فراوان دیده می‌شود، ابراز آزادانه احساسات دچار مشکل می‌باشد، الگوی ارتباط هرج و مرج است، بحث و گفتگو به کلی تعطیل می‌باشد. این خانواده‌ها در حل مشکلات با دشواری‌های زیادی مواجه هستند. به طور کلی، این گونه خانواده‌ها دارای اختیار، قدرت بسیار نامشخص، غیرشفاف و نامؤثر هستند و ارتباطات نیز حاکی از نارضایی است. روحیه افراد پایین و به سمت افسردگی گرایش دارد. نظام خانواده بسته، اعضای آن دچار سردی عاطفی و از هم گسستگی می‌باشند. در بعضی از این نوع خانواده‌ها مرزها بسیار خشک و افراد نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت می‌باشند یا ممکن است مرزها به هم تنیده باشد. عشق و محبت در این مکان‌ها به صورت مشروط است و حریم شخصی افراد محترم شمرده نمی‌شود، آستانه تحمل بسیار پایین، کشمکش و تنش بسیار بالاست. مشکلات توسط اعضا نادیده انگاشته می‌شود. اعضا در صدد یاری رساندن، یا کمک خواستن از یکدیگر نیستند و به نظر می‌رسد که نشانه‌های مرضی از یک عضو به عضو دیگر منتقل می‌شود. ویژگی‌های این

خانواده در یک ترسیم کلی عبارتند از: اضطراب زیاد، تداخل مرزها، مقرّرات مبهم، پنهان، فقدان آزادی و روابط متقابل دروغین. در این کتاب سعی داریم تا به بررسی مشکلات رفتاری رایج در زوجین پردازیم. امید است این کتاب گامی رو به جلو در زمینه شناسایی و پیشگیری از مشکلات زوجین در خانواده برداشته باشد.

فروزان عینالی سقاواز

فصل اول: جدایی عاطفی

پیش درآمدی بر جدایی عاطفی

خانواده از نخستین نظام‌های نهادی، عمومی، جهانی می‌باشد که برای رفع نیازهای عاطفی انسان و بقای جامعه ضروری می‌باشد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد. هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی، طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد؛ یعنی زندگی‌های خاموش و تو خالی‌ای که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند.

در جامعه‌ای که طلاق زیاد باشد، افسردگی، مشکلات روانی، محدود، کم شدن روابط اجتماعی و انحرافات رو به فزونی می‌گذارد. همه‌ی این عوامل مانع رشد و پیشرفت افراد و به تبع آن، جامعه خواهد شد (صمدی، ۱۳۹۸).

طلاق به دلایل مختلفی رخ می‌دهد. تقی‌زاده کهنه شهری در مورد علل طلاق معتقد است: عدم توافق اخلاقی، کراهت زن و مرد از یکدیگر، اختلاف خانوادگی، چند همسری، مسائل جنسی، جسمانی، اعتیاد، عوامل مادی، اقتصادی، اختلاف سن، بیماری مستمر زوجین، نداشتن فرزند، محکومیت زوجین یا حبس و هر نوع جرمی که حیثیت خانواده را به خطر اندازد (حسینی، ۱۳۸۵).

همانگونه که همگان تأیید می‌کنند از شرایط بنیادی لازم برای وجود هر جامعه آنست که هر جامعه باید روش کارآمدی برای برقراری روابط جنسی داشته باشد. روابط جنسی زن و مرد باید چنان شکلی داشته باشد که هر دو جنس فرصت‌های کافی برای کنش متقابل داشته باشند. در همه‌ی جوامع ازدواج شکل دائم برقراری روابط جنسی است. باتوجه به اینکه جامعه و فرهنگ است که از دوره‌ی کودکی به بعد کل‌های مناسب رفتار را تعیین

می‌کند، ماهیت و کیفیت هر ازدواج معینی را «جهان خارج از آن» شکل می‌دهد و این جهان خارج نقش مهمی در تعیین انتظارات و خواسته‌ها ایفا می‌کند (برناردز، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر کیفیت و چگونگی برقراری رابطه‌ی بین دو جنس و همچنین انقطاع رابطه به شدت به زمینه‌ی فرهنگی خاص هر محیط مرتبط است؛ یعنی زمینه‌ی اجتماعی، نقش مؤثری در این فرایندها دارد. باید گفت چون روابط خانوادگی یا خویشی بخشی از موجودیت هر انسان است، زندگی خانوادگی تقریباً طیف کاملی از تجربه‌ی عاطفی را در بر می‌گیرد. روابط خانوادگی می‌تواند ارضاکنده باشد، اما به همان اندازه هم ممکن است دربردارنده‌ی شدیدترین تنش‌ها و تعارض‌هایی باشد که مردم را به یأس و حرمان بکشاند یا آن‌ها را سرشار از حس عمیق اضطراب و گناه کند (گیندنز، ۱۳۹۷).

پل هانان جدایی عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به رواهی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. به عقیده او زن و شوهر اگر چه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است (ساروخانی، ۱۳۸۸).

جدایی عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم، نفرت از خود است که زن و شوهر هر کدام آن را تجربه می‌کنند که در آن هر یک از زن و شوهر به دلیل غمگینی و ناامیدی دیگری را آزار می‌دهد.

جدایی عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است. همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند، هر کدام به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری است (ساروخانی، ۱۳۸۶).

طلاق هم می‌تواند صورت آشکار، رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی می‌باشد، در این حالت زوجین بنا به ضرورت،

اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای جدایی عاطفی است یعنی پیش درآمد طلاق رسمی و قانونی، همیشه جدایی عاطفی است.

کم نیستند همسرانی که بنا به دلایلی ترجیح می‌دهند اسماً زن و شوهر باشند ولی رسماً و از نظر فیزیکی از هم جدا هستند و ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها با همدیگر حرف نزده و رابطه زناشویی نیز نداشته باشند. بسیاری از دانشمندان، جدایی عاطفی را مقدمه‌ای بر طلاق قانونی می‌دانند. خاتمه دادن به ازدواج به این سادگی نیست و هر فردی از مراحل عبور می‌کند تا سرانجام به طلاق قانونی برسد.

جدایی عاطفی کی رخ می‌دهد؟

جدایی عاطفی عموماً در سال‌های نخست زندگی رخ نمی‌دهد. در سال‌های نخست هر چقدر هم که معیارهای انتخاب همسر سطحی باشد، میان زن و شوهر کشش‌ها و علایقی وجود دارد یا حتی اگر علاقه‌ای در این حد وجود نداشته باشد این امید وجود دارد که ممکن است شرایط تغییر کند. معمولاً جدایی عاطفی از سال‌های پنجم و ششم زندگی شروع می‌شود؛ یعنی وقتی که افراد امید به تغییر همسر را از دست می‌دهند و البته از طلاق رسمی هم ناامید هستند و به تدریج فاصله میان آن‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود. در طلاق‌های عاطفی اینگونه نیست که لزوماً دو نفر هیچ ارتباط عاطفی‌ای با یکدیگر نداشته باشند. در نوعی از جدایی عاطفی با توجه به تغییر موقعیت، تغییرات خلقی و روانی که در افراد رخ می‌دهد، ممکن است رابطه بین زوج بهبود پیدا کند یعنی میزان عدم علاقه کاهش یا افزایش پیدا کند اما این بهبود موقت است، با تغییر شرایط دوباره وضعیت به حالت قبلی بر می‌گردد تا جایی که دیگر روابط زناشویی آن‌ها حذف می‌شود و آن‌ها تنها به عنوان دو همخانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۸).

ریشه جدایی عاطفی

اختلافات زوج‌های جوان دلایل متعددی دارد هر چند برای همه اختلاف‌ها نمی‌توان عدم آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را به عنوان مهم‌ترین دلیل مطرح کرد اما مواردی چون رابطه صحیح کلامی، مهارت‌های لازم برای سخن گفتن و بیان خواسته‌ها از همسر از جمله موضوعاتی است که در قالب مهارت‌های زندگی قرار می‌گیرند که بیشتر جوانان ما فاقد آن هستند و همین امر تأثیر فراوانی در بروز اختلافات دارد اما بخش عمده‌ای از اختلاف‌ها به دلیل انتخاب‌های نادرست است. چون با وجود مدشدن زندگی رمانتیک! در بسیاری مناطق، هنوز هم ازدواج در ایران امری است که در دایره خانواده انجام می‌شود. نه فرد و نه خانواده او هیچ آموزشی در این باره ندیده‌اند و همه براساس سلیقه خود در این باره اقدام می‌کنند.

وابستگی‌های اقتصادی، اجتماعی زوج به یکدیگر و همچنین داشتن فرزند باعث می‌شود دو نفر پس از آنکه پی می‌برند برای هم ساخته نشده‌اند هم امکان خاتمه دادن به آن پیوند زناشویی را نداشته باشند. مثلاً زن خانه دار است، با خود فکر می‌کند که اگر طلاق رسمی بگیرد نمی‌تواند از نظر اقتصادی مستقل زندگی کند یا می‌خواهد فرزندش آسیب نبیند، طلاق نمی‌گیرد اما گاهی هم نگاه بدی که در جامعه نسبت به طلاق وجود دارد. در برخی مناطق آن را عملی قبیح می‌دانند، طرفین اقدام به طلاق رسمی نمی‌کنند. شاید فکر کنید حفظ چنین زندگی از هم گسیخته‌ای خیلی کم خطرتر از تجربه جدایی واقعی است اما حقیقت آن است که جدایی عاطفی می‌تواند بسیار خطرناک‌تر از طلاق رسمی باشد. جدایی عاطفی، فشار عاطفی زیادی به زوج وارد می‌کند. این مشکل افسردگی، اضطراب، پریشانی را در پی دارد و بنیان خانواده را سست می‌کند و احتمال خیانت به همسر را افزایش می‌دهد.

در جدایی عاطفی همسران هیچ حس، نشاط و درک متقابلی ندارند و در واقع به اجبار

زیر یک سقف زندگی می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، زوج مجبورند بدون اینکه تفاهمی داشته باشند زیر یک سقف زندگی کنند، چون نیاز مالی، حضور بچه‌ها و ترس از قضاوت‌های اجتماعی مانع تصمیم‌گیری جدی برای روشن کردن تکلیف زندگی می‌شود. بنابراین اختلاف بین زوج به تدریج باعث دوری و سرخوردگی آن‌ها می‌شود و جدایی عاطفی پیش می‌آید. جدایی عاطفی باعث می‌شود میزان اعتماد افراد به یکدیگر کم و نسبت به یکدیگر دچار سوء تفاهم شوند. افراد خانواده مدام دچار اشتباه شده، به دلیل نداشتن تکیه گاه، مأمّن جدی در زندگی احساس یأس و سرخوردگی می‌کنند و با انواع بیماری‌های روان تنی روبرو می‌شوند. جدایی عاطفی، فشار عاطفی زیادی به آن‌ها وارد می‌کند.

مفهوم طلاق

«طلاق در لغت به معنی جدایی، برطرف شدن، زوال عقد زوجیت، رها کردن از قید نکاح است ولی با توجه به قانون مدنی ایران عبارت است از انحلال قانون ازدواج دائم میان یک زن و یک مرد که با شرایط مقرر در قانون مدنی ایران به اراده‌ی مرد یا به تقاضای زن صورت می‌گیرد» (حسینی، ۱۳۸۸).

«طلاق نوعی گسست، جدایی، اخلال در بنیان‌های اساسی خانواده است که منجر به جدایی همیشگی، همراه لوازم آن می‌شود». در شریعت نیز، گسست پیوند زناشویی به فسخ یا طلاق صورت می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۸).

طلاق شیوه‌ای نهادینه شده در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است. راه‌های دیگری نیز غیر از این وجود دارند: نظیر ترک یکی از زوجین توسط دیگری یا جدایی توافق شده توسط زوجین، اما تفاوت طلاق با دو شیوه‌ی دیگر در این است که رسمیت دارد، توسط مقامات دولتی مورد کنترل قرار می‌گیرد، امکان ازدواج مجدد را فراهم می‌سازد و پیش‌بینی‌های لازم (نظیر حضانت فرزندان) در آن صورت‌پذیر است (صمدی، ۱۳۹۶).

از نظرگاهی دیگر «طلاق به زبان ساده مکانیسمی است قرار دادی که در اکثر جوامع پذیرفته شده، این مکانیسم اجتماعی به زن یا مرد، در صورت توافق به هر دو امکان می‌دهد تا تحت شرایطی، طی مراحل پیوند زناشویی خویش را گسسته، به راه خود روند و زندگی جدیدی را تجربه کنند. از این رو طلاق در نقطه‌ی مقابل ازدواج (آن هم یک قرار داد اجتماعی پذیرفته شده‌ی دیگر) قرار می‌گیرد و نفی آن به حساب می‌آید» (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

طلاق در حقوق ایران عبارت است از انحلال نکاح دائم با تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده‌ی قانونی او (ملک‌زاده، ۱۳۸۷).

طلاق و انواع آن

جدایی عاطفی

جدایی عاطفی و احساساتی با آن همراه است. در این نوع طلاق افراد احساس می‌کنند که احساسات خودشان، شریک زندگی‌شان از هم جدا شده است. در این مرحله از طلاق افراد احساس خشم و ناامیدی می‌کنند، این مرحله از طلاق معمولاً قبل از طلاق قانونی اتفاق می‌افتد. در این نوع از طلاق افراد باید به دنبال راه حلی باشند که بتوانند از طلاق قانونی جلوگیری کنند، مسائلی از قبیل رسیدگی به مسئولیت‌های خانواده، تغییر نقش‌های خانوادگی و به عهده گرفتن نقش‌های مؤثرتر در زندگی در این نوع از طلاق اتفاق می‌افتد. جدایی عاطفی ممکن است زمانی که زوجین دارای فرزند باشند، بیشتر به طول بینجامد. بچه‌های درگیر در جدایی عاطفی ممکن است مسائلی از قبیل خشم، ناراحتی، ترس یا طرد شدن را تجربه کنند.

طلاق قانونی

پایان قانونی ازدواج به وسیله‌ی رأی دادگاه، از نشانه‌های طلاق قانونی پایان ارتباط زناشویی است. طلاق قانونی به افراد اجازه‌ی انتخاب در ازدواج دوباره را می‌دهد. اگر